

~~Handwritten scribbles in blue ink at the top of the page.~~

گدازید ما بزرگ سویم

گدازید ما بزرگ سویم .
ما به گهواره ای رویانی
روی تخت روان نور و نسیم
با فریغ ستاره ای نگاه
هم نوا با کیوتران سپید
با بستم ، به گریه ، می گویم
گدازید ما بزرگ سویم
گدازید ما بزرگ سویم
- ماسه با لرزش نختین گام
بر زمین بزرگ بوسه ز نسیم
می بفتیم و باز بر خنجریم
ولایت اولین ما - مادر
اولین بوسه مان ، به روی پدر .
ما و بازی با عمود سگ ؟
ما و دنیای قصه های قشنگ
ما و گل و گشت گنجه گان
ما و پروانه ای رنگارنگ
ما و بازی و گردش و ورزش
ما و مدرسه آد علم و هنر
گدازید ما بزرگ سویم
ماسه تل پرندگان هستیم
بچه گنا هم و بی زبان هستیم
تو بگو از زبان ما ، عمر !

۱- ناله سایدی که مانده به سنگ
 نعره کشته؟ ز قعر زمین
 با بگ ناقوس معبد ارواح
 یا در تومی رت از ضایع کجاست
 بگریه ای جهان پاک است
 بر جنون « تمدن » ستار
 بر « کلا یک برگ »
 زاده دزه می زیر آلود
 نهر را نمی کند تا بود
 سعله شوم برگ انسان است!

باغ؟ می سکوفه دار بهار
 گر شود بر سکوفه اش الماس
 کوه؟ دشت؟ و دریا؟
 نهر می عظیم بی انسان
 جی سکوه اسد کوشش او
 بی غم و عشق و آفرینش او
 حیات جز غبار می دشت بار
 وقت آن است، آن زمان، آن
 که شود فک رفته ستار
 ماکه نعل پرندگان هستیم
 بیگنا هم و بی زبان هستیم
 تو گوی از زبان ما، شاعر
 ای شما، تا جرات خون و طلا
 ای به پامال رسیده خورشید
 کاروان همی تو سفر ما شوم
 ماکه سازندگان فردا شوم

ج

و بر وارد زوایم؟

۱- در اثر انفجار بمب اتمی در هیروشیما، ساید انسان که سوخت و نابود شد، بر سنگ سایدی مانده است

-۳-

روی برگ در جوانه نو

می نویسم: آ - زندگی ۵۰
سادی

کار دل خواه
عقوبت
از ادراس

قاصد حقیقت رنگ تو س قریح

هرده ۲ آورد از آ بیده

از سفر ۴ دور کهنانی

گت پرواز در ستاره و نور

سال نوری و عمر با بیده

فایغ از صنگ و بی خبر از بسم

بگذارید ما بزرگ شویم

۶ ۶ ۶

تبرک

نقل از "فصل نامه" "سورای نوسنگ مان و نرمدان ایران" شماره سوم سال ۱۳۳۰